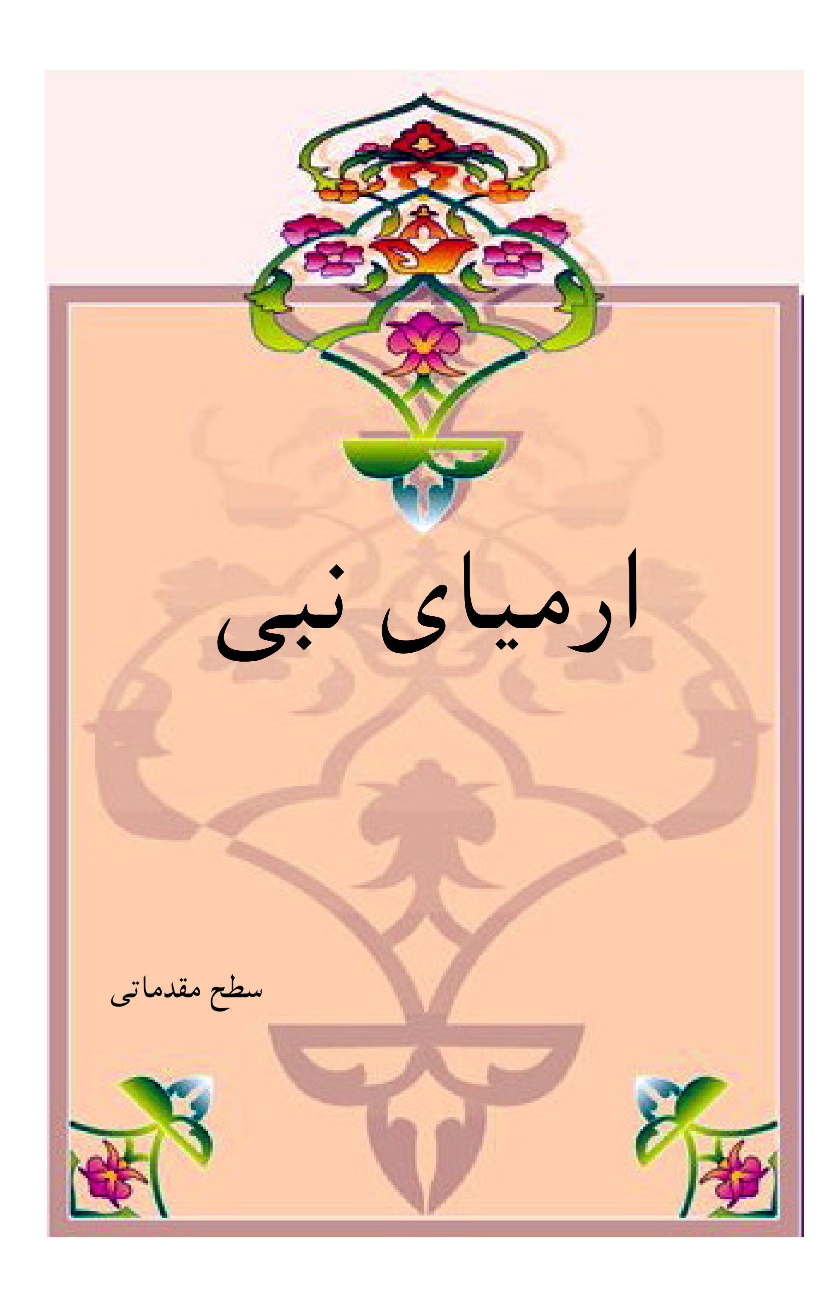


www.irancatholic.com

این کتاب ترجمه ای است از :
les dossiers de la Bible
Jérémie
'Juin 1991 No 39'

عنوان : ارمیای نبی
از مجموعه : فرازهایی از کتاب مقدس

www.irancatholic.com

فرازهایی از کتاب مقدس

ارمیای نبی

فهرست

صفحه

مقدمه

نبی... این واژه طنین مبارزه طلبی است. اعتراض به مقامات دولتی و جامعه به نام خدا و تنها با کلام او و با نیروی حقیقت، کاری پر زرق وبرق است.اما ارمیای نبی اهمیتی بدان نمی‌داد. او جز شاهدی غمناک از اضمحلال میهنش، پادشاهی یهودا، در برابر قدرت بابل نبود و به کرات سعی نمود تا از این مأموریت خطیر که خداوند بر گرده‌اش نهاده بود شانه خالی نماید، مأموریتی که برای او جز ناراحتی، جنگ و شکست ارمغانی دیگر نداشت و سرانجام نیز اولیای امور وی را از پا انداخته به مصر تبعید کردند.

با این وجود ، کلام وی ثمرات شگفتی نزد تبعیدیان به بابل به بار خواهد آورد.

تبعیدیان با یادآوری الهامات وی دلایلی برای ایمان و امید داشتن حتی در کشوری بیگانه برای مدتهای طولانی خواهند یافت. ارمیا تفکری جدید از اسرائیلی کاملاً متفاوت، اسرائیلی بدون پادشاه، بدون ارتش، بدون هیکل و زنده در کنار خدای خود حتی در تبعید ارائه می‌دهد. او مذهبی را پایه گذاری می‌کند که دیگر نه ملی ونه صرفاً اجتماعی می باشدبلکه مذهبی که در آن همه «از کوچک و بزرگ» خواهند توانست خداوند را بشناسند و در عهدی کاملاً نوین با خداوند بسر برند. یهودیان به لطف ادراک و مکاشفه ارمیا ،راز حفظ بقای خود را در سایر کشورها خواهند آموخت.

ارمیا، این مرد با ایمان، مردی شبیه ما،که از خیلی پیش عیسی را اعلام می‌دارد،شاهدی است که به اندازه توانش بار کلام خدا را برای مردم زمان خویش به دوش کشید. فیض خدا ،نور و آینده‌ای از برای دیگران را در میان تلاشها، تردیدها و ناامیدیهای او به فوران درآورد. قرائت این کتاب می‌تواند کمکی باشد برای بهتر شناختن چهره جذاب این نبی که ۲۶ قرن پیش از این می‌زیسته است! کلامش ما را به کانون قلبمان ارجاع می‌دهد و قادر است شهامت و واقع گرایی را، در عهد و پیمان با عیسی مسیح، به زندگیمان بازگرداند.

ارمیا در عصر خویش

ارمیا یکی از انبیایی است که داستان زندگیش به خاطر وجود روایات بسیار که به تناوب در پی الهاماتش که در کتابی به اسم خود وی حکایت شده‌اند به خوبی معرف همگان می باشد. ارمیا با آنکه در خانواده کهانتی متولد شده اما هیچگاه در حین انجام کهانتی دیده نشده است. اگر وارد معبد می شود تنها برای مخالفت با کاهنان اورشلیم است. او که از اهالی عناتوت دهکده‌ای به مسافت یک ساعت راه با شهر می باشد، دهقانی بیش نیست. تمام زندگانیش در حوالی اورشلیم سپری می شود اما از موقعیت کشورش و همسایگان قدرتمند آن به خوبی آگاه است.

آشور، بابل و مصر

وقتی ارمیا در سال ۶۲۶ شروع به نبوت کردن نمود دقیقاً بیست ساله بود و آشور بانیپال کمی قبل از آن فوت شده بود. با مرگ وی آشور آخرین پادشاه قدرتمند خود را از دست داد. به سال ۶۱۲ نینوا پایتخت آشور به دست بابلیان افتاد و این سرانجام امپراتوری با عظمت آشور بود که به مدت بیش از ۲ قرن بر تمام منطقه خاور میانه حکومت کرده بود. بابل، رقیب آشور در جنوب بین النهرین همچنان بر شوکت خود می افزود. نبوکدنصر از همان آغاز سلطنت خویش در سال ۶۰۵ با ارتش مصر در گرگمیش در ساحل فرات به زد و خورد می پردازد و از این طریق پادشاهی کوچک یهودا را همانند حکومتی تحت آمریت خویش می شمارد.

کشور مصر تا آن زمان حاکم مطلق و مسلم همسایه کوچک خودیعنی پادشاهی یهودا بود. برای مثال فرعون نکو دوم در سال ۶۰۹ یهوآخاز پادشاه را معزول کرده و یهویاقیم را به جای وی می نشاند. پادشاهان اورشلیم همواره در پی حمایت مصر برای دفاع در مقابل تهدید بابل هستند اما مصر کمتر خود را درگیر کرده و منافع دیگری را دنبال می کند و در اندیشهٔ الحاق یهودا است.

سلطنت یوشیا (۶۴۰-۶۰۹)

کتاب مقدس از این پادشاه یهود تمجید فراوان کرده است چرا که او موفق شد قسمتی از پادشاهی اسرائیل در شمال را در زمان انحطاط آشورباز پس بگیرد. اما ستایش و تمجید از او بیشتر به جهت اصلاحات مذهبی است که در سال ۶۲۸ «یا ۶۲۲؟» (به دنبال یافتن کتاب شریعت خداوند در معبد اورشلیم) انجام می‌دهد. اصلاحات مذهبی که مطابق شریعت تثنیه انجام می‌گیرد، تأکید بر پذیرفتن اورشلیم همانند تنها قدس پادشاهی و از میان برداشتن دیگر پرستشگاهها دارد. ارمیا از این اصلاحات بی نهایت خرسند است. اما افسوس که این اصلاحات تنها ۱۲ سال بطول می‌انجامد و مرگ یوشیا که در جنگ با مجدیان به سال ۶۰۹ اتفاق می‌افتد به این رویای مذهبی خاتمه می‌دهد. عادات کهن و رسوم بت‌پرستی باز از نو پدیدار می‌شوند.

سلطنت یهویاقیم (۶۰۹-۵۹۸)

یهوآخاز پسر یوشیا پس از سه ماه سلطنت توسط یکی از برادرانش، یهویاقیم خلع شد. اما یهویاقیم نیز خیلی زودخود را خراجگذار نبوکدنصر اعلام داشت. یکی از سخنرانیهای ارمیا در معبد فاجعه به بار آورد و چنانچه یکی از وزرای شاه از ارمیا حمایت نمی‌کرد او جانش را بر سر این موعظه از دست می‌داد (باب ۷ و ۲۶). شاه ازپیام نبی خوشش نیامد چرا که بی‌عدالتیهای شاه و مسئولین و



پادشاه یهویاقیم نوشته های ارمیا را می‌سوزاند
تصویر برگرفته شده از کتاب مقدس ژرون

فساد همگانی را اعلام می‌کرد. او حتی اعلام کرد که خدا علیه اورشلیم خواهد بود. یهویاقیم کاملاً به این اخطارها بی‌توجهی نشان داد و در سال ۶۰۴ یکی از طومارهای ارمیا را که توسط کاتبش باروک نوشته شده بود سوزانید (باب ۳۶). در سال ۶۰۰ یهویاقیم یک بار دیگر عهدهایش را شکست و علیه بابل قیام کرد.

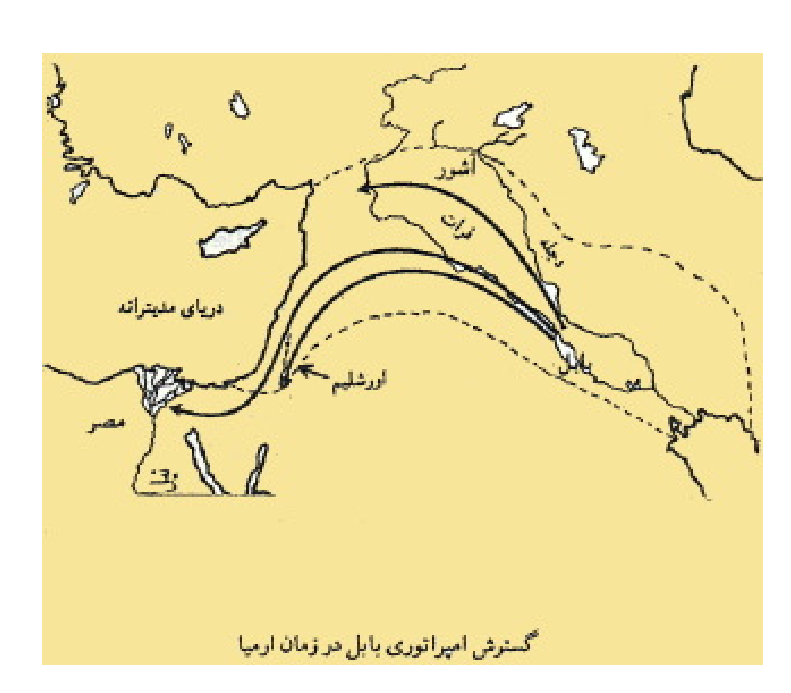
سلطنت صدقیا (۵۹۷-۵۸۷)

از آغاز سال ۵۹۸ ارتش نبوکدنصر یهودا را اشغال کرد. یهویاقیم در همین اثنا مرد. پسرش یهویاکین پس از او به سلطنت رسید و طی سه ماه تسلیم شد. رؤسای ارتش، مشاوران و کاهنان که حزقیال نیز در میانشان بود به همراه خانواده سلطنتی، به بابل به اسارت برده شدند. این اولین تبعید است. نبوکدنصر صدقیا را به جای یهویاکین بر تخت سلطنت می‌نشاند. ارمیا بی‌وقفه موعظه می‌کند که تسلیم یهودا به بابل نشانه تنبیه اورشلیم بی‌وفا از سوی خداست . اما خلاف گفته خود را از انبیایی چون حننیا می‌شنود (بابهای ۲۷-۲۸).گویی شکست خورده است؛ ناامیدیش برای مأموریتی ناممکن در اعترافات وی متجلی می‌شود (ر.ک مقاله اعترافات ارمیا صفحه ۲۵).

صدقیا درپی مشورت با هواخواهان مصر در شورش علیه بابل درگیر می‌شود. سال بعد یعنی سال ۵۸۸ ارتش بابل، یهودا را اشغال کرده اورشلیم را محاصره می‌کند. این محاصره یک سال و نیم به طول می‌انجامد و فقط در اوایل سال ۵۸۷ به مدت سه ماه شکسته می‌شود. ارمیا همچنان پیروزیهای بابلیها را اعلام می‌دارد وبدین سبب دستگیر می‌شود. او به صدقیا توصیه می‌کند تسلیم شود تا از شکستی جبران ناپذیر جلوگیری شودولی صدقیا هیچ گونه توجهی به گفته های ارمیا نمی‌کند (بابهای ۳۷-۳۸).در ژوئیه سال ۵۸۷ شهر سقوط می‌کند و صدقیا در حال فرار دستگیر و تبعید می‌شود. شهر و هیکل به آتش کشیده می‌شوند (باب ۳۹). یازده سال پس از اولین کاروانی که روانه تبعید شده بود کاروانی دیگر راه شمال یعنی راه بابل را درپیش می‌گیرد.

سرانجام ارمیا

نبوکدنصر، صاحب منصبی جدلیا نام را که از ارمیا حمایت کرده و عضو گروه هواخواهان کلدانیان بود بر مسند حکومت می نشاند. جدلیا سه ماه پس از این تاریخ به دست ملی گرایان کشته شد (باب ۴۰).قاتلان وی برای فرار از انتقام به مصر پناهنده شدند و باروک و ارمیا را نیز به زور با خود بردند. ارمیا در مصر آخرین الهامات خود را اعلام کرد (بابهای۴۲-۴۴) . کسی از سرانجام او اطلاعی ندارد.



گسترش امپراتوری بابل در زمان ارمیا

مصر	یهودا	بابل	آشور
پسامتیك اول (۶۶۴-۶۱۰) مصر را از دست آشور رهایی داد	**(۶۴۲-۶۴۰) آمون** (کشته می‌شود) **یوشیا (۶۴۰-۶۰۹)** صفنیای نبی **۶۲۸** شورش یوشیا؟		**آشور بانیپال (۶۸۸-۶۲۷)**
	۶۲۶ دعوت ارمیا **۶۲۲** یافتن کتاب شریعت در معبد؛ اصلاحات کتاب تثنیه بازپس گیری مناطق شمالی (اسرائیل) ناحوم پیامبر	**۶۲۶ نبوپلاسر** شورش بابل علیه آشور	**آشور اتیل ایلانی (۶۲۷-۶۲۳)**
نکو دوم (۶۱۰-۵۹۴) یهویاقیم به جای یهوآخاز به سلطنت می‌رسد	**۶۰۹** یوشیا درمجدو کشته می‌شود **یهوآخاز** (۳ماه) به مصر تبعیدمی‌شود **یهویاقیم (۶۰۹-۵۹۸)**		**۶۱۲** نینوا تسلیم بابلیها و مدیان می‌شود
	۶۰۵ تابعیت از بابل **۶۰۴ طومارارمیا توسط یهویاقیم سوزانده می‌شود** (ارمیا۳۶) **۶۰۰** شورش علیه بابل	**نبوکدنصر (۶۰۵-۵۶۲)** مصر را در گرگمیش مغلوب می‌کند.	

مصر	یهودا	بابل	آشور
	۵۹۸ اولین محاصره اورشلیم **یهویاکین (۳ماه) مارس** **۵۹۷: تسلیم؛** **اولین تبعید به بابل** **از جمله یهویاکین و حزقیال**		
پسامتیک دوم (۵۸۹-۵۹۴) **حفرع (۵۶۸-۵۸۹)** **۵۸۸** مداخله برای آزادی اورشلیم	**صدقیا (۵۸۷-۵۹۷)** توسط نبوکدنصر به سلطنت می‌رسد **ارمیا و حننیا** (ار ۲۷-۲۸) **۵۸۹** شورش علیه بابل	**۵۹۳**حزقیای نبی در بابل	
	۵۸۸ دومین محاصره اورشلیم (۱۸ماه) **۵۸۷ ژانویه تا مارس:** محاصره شکسته می‌شود وعده به برده‌ها (ار ۳۵) **ارمیا زندانی می‌شود** (ار ۳۷-۳۸) **آوریل:** از سر گیری محاصره دوم **ژوئیه:** اشغال اورشلیم صدقیا در حین فرار دستگیر و تبعید می‌شود **اوت:** تخریب معبد و شهر دومین تبعید به بابل		
	جدلیا به دست نبوکدنصر به پادشاهی می‌رسد (۳ماه) بعد توسط مبارزانی به قتل می‌رسد و **آنان ارمیا را با خود به مصرمی‌برند** (ار۴۲-۴۳)		

آیا ارمیا پیامبر بدبختی بود ؟

اغلب ارمیا را « پیامبر بدبختی توصیف کرده اند» و بی شک این توصیف به دلیل کتاب مراثی ارمیاست. در واقع ترجمه یونانی کتاب مقدس، هفتادتنان، کتاب مراثی را بلافاصله پس از کتاب ارمیا جای داده است چرا که در ارمیا همان شخصی را می بیند که بر اورشلیم می گرید. هرچند که آشکار است ارمیا از جانب خدا برای از ریشه کندن و سرنگونی، نابودی و خرابی فرستاده شده است اما میل شدید او را برای «ساختن و غرس نمودن» نیز نباید از یاد برد (۱:۱۰).

از نظر ارمیا علت بدبختی چیست؟

ارمیا خود را در میان بدبختی که گریبان گیر حکومت یهودا در نیمه اول قرن ششم قبل از میلاد شده، می یابد. از همان ابتدا به صحت و درستی نبوت می کند: **بلایی از طرف شمال به جمیع سکنه این زمین منبسط خواهد شد** (۱:۱۴). ارمیا که به خوبی از وضعیت سیاسی سرزمینهای خاورمیانه آگاه است پایان قریب الوقوع حکومت کوچک یهوداو تقسیم آن بین ملل قدرتمند آن عصر را به وضوح می بیند. اما همانند ایمانداری وفادار ،گناه قوم دور از خدا را تشخیص می دهد و علت تمام این بدبختیها را در این دوری از خدا می داند: **من گفتم به درستی که اینان فقیرند و جاهل هستند که راه خداوند را و احکام خدای خود را نمی دانند. پس نزد بزرگان می روم و با ایشان تکلم خواهم کرد زیرا که ایشان طریق خداوند و احکام خدای خود را می دانند، لیکن ایشان متفقاً یوغ را شکسته و بندها را گسیخته اند!** (۵:۴-۵).

افکار ارمیا بسیار نزدیک به افکار نویسندگان سفر تثنیه می باشد و مانند ایشان بدبختی را نتیجه اعمال بد قوم می داند. ارمیا مانند ایشان در صحرا نشانی از تنبیه و مجازاتی می بیند که خدا به سبب عدم رعایت عهد بر قوم روا

می‌دارد. او برای بدبختی ارزشی تعلیمی قائل است تعلیمی که آن را تعلیم الهی گویند. این تعلیم می‌گوید که باید ضمن برگشت به سوی خدا عهد را پذیرفت: **ببین امروز حیات و نیکویی و موت و بدی را پیش روی تو گذاشتم... حیات را برگزین** (تثنیه ۳۰:۱۵).

ارمیا قوم را به برگزیدن نیکویی با تکیه نمودن بر خداوند دعوت می‌کند: **بلکه ایشان را به این چیز امر فرموده گفتم که قول مرا بشنوید و من خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود و به هر طریقی که به شما حکم نمایم سلوک نمایید تا برای شما نیکو باشد** (ارمیا۷:۲۳). آنچه خواننده امروزی با مطالعه کتاب ارمیا درمی‌یابد این است که ارمیا بارها با تفسیر وقایعی که بر حکومت یهودا می‌گذرد پا پیش می‌نهد و وساطت می‌کند. شنیدن تفسیر (اولین سقوط اورشلیم) پیش از سال ۵۹۸ و وقایع آینده (۱۸:۱-۱۲) بسیار جالب و شنیدنی است. شنیدن تفسیر او به هنگام بدبختی نیز خالی از لطف نیست (بابهای ۲۸-۲۹).

قبل از بدبختی :
ارمیا پیش کوزه‌گر (۱۸:۱-۱۲)

مقالهٔ «حرکات نمادین، زبانی نبوتی» اهمیت اعمال نمادین ارمیا را توضیح می‌دهد. توجه داشته باشید که ارمیا با تشبیه بنی‌اسرائیل به یک کوزه به شیوه خود پیمان بین خداوند و قوم را بیان می‌کند: **چنانکه گل در دست کوزه‌گر است همچنان شما ای خاندان اسرائیل در دست خدا می‌باشید** (ارمیا۱۸:۶).

آیه‌های ۱۱ و ۱۲ تأیید می‌کنند که خدا آماده ترک قومش است همانطور که کوزه‌گر ظرفی را که شکل نمی‌گیرد رها می‌کند. بدبختی که گریبان قوم را گرفته در مرحله اول نتیجه امتناع قوم از شکل گیری و خلق شدن به دست خداست. رهایی که خدا می‌دهد به شدت و سختی در تنبیه متجلی می‌شود (آیه‌های ۸، ۱۰، ۱۱). اما بدبختی هرگز آخرین کلام نیست: دعوت به بازگشت

است که باید مورد توجه قرار گیرد و نه تنبیه و مجازات: **اگر آن امتی که گفته باشم از شرارت خویش بازگشت نمایند آنگاه از آن بلایی که به آوردن آن قصد نموده‌ام خواهم برگشت** (آیه۸).

پس از بدبختی:
نباید خود را با توهمات تسلی داد (ارمیا۲۸)

باب ۲۸ کتاب مربوط به سالهای پیش از دومین محاصره اورشلیم (۵۸۷)می‌باشد. متخصصین تاریخ نگارش آن را سال ۵۹۳ می‌دانند سالی که کشور به ویرانه‌ای کامل تبدیل شده است: شاه، ثروتمندان و کارگران و صنعتکاران به امر نبوکدنصر تبعید شده‌اند. نبوکدنصر، صدقیا را بر تخت شاهی نشانده است. یک نبی تازه به دوران رسیده بازگشت قریب‌الوقوع پادشاه و ظرفهای خانه خدا که بابلیان آنها را با خود برده‌اند اعلام می‌دارد (آیه‌های ۳-۴). ارمیا متوجه است که این بازگشت سریع صلح چیزی جز یک خیال واهی نیست و دلایل بیشتری برای بدبختی برمی‌شمارد: به عقیده وی، انبیا نه تنها پیش از وقوع فاجعه آن را اعلام کرده بودند بلکه در زمان وقوع حادثه نیز، گسترش یوغ بابلیها بر تمام امتها را اعلام می‌دارند (۸:۲۹، ۱۴).



این شدت کلام ارمیا که گریز را ناممکن می‌داند یادآور کلام دیگر او در مورد کاهنان وانبیاست که: جراحت قوم مرا

اندک شفایی دادند چونکه می‌گویند **سلامتی است، سلامتی است با آنکه سلامتی نیست** (۱۴:۶). مسئولیت نبی حقیقی او را وامی‌دارد تا مبارزات و آزمایشها را ارزیابی نماید نه اینکه با پناه بردن به شعارها ،هر چند که والا باشند، بخواهد آنهارا دور کند: **اما آن نبی که به سلامتی نبوت کند اگر کلام آن نبی واقع گردد آنگاه آن نبی معروف خواهد شد که خداوند فی‌الواقع او را فرستاده است!** (۹:۲۸).

سرانجام بدبختی:
پذیرش آزمایش (ارمیا ۲۹)

باب ۲۹ کتاب شامل نامه‌ای به تبعیدیان سال ۵۹۷ می‌شود که آنان را دعوت به اسکان در بابل، سرزمین بیگانه می‌کند (آیه های۴-۷). بر خلاف ملی‌گرایان تنگ نظر،پیامبر مردم را به فرمانبرداری از نبوکدنصر تشویق می‌کند. ارمیا در این باب نیز همچون باب پیش «انبیای دروغین» را که در نزد تبعیدیان هستند محکوم می‌کند و باز به نام خداوند می‌گوید: **فکرهایی را که برای شما دارم می‌دانم که فکرهای سلامتی می‌باشد و نه بدی تا شما را در آخرت امید بخشم** (۱۱:۲۹).

مفهوم آیه کاملاً روشن است همانطور که واضح است تبعید ،سالیان دراز به طول خواهد انجامید (۱۰:۲۹، ۲۸). باید در زندگی چنان برنامه‌ریزی کرد که حتی برای دشمن نیز دست به دعا برداشت (۷:۲۹). این حالت و موقعیت ارمیا با واقع‌گرایی او سر ستیز دارد و او را شخصی ناامید از پیروزی معرفی می‌کند (۲۴:۲۹-۲۸). البته این حیرت‌آور است اما ارمیا از آغاز تا انتهای موعظه‌اش یعنی پیش از رسیدن بدبختی ، در حین و پس از آن، همواره قوم را به ایمانی بی‌غل و غش دعوت می‌کند. یقیناً این درخواست ارمیا نه توسط ساکنان اورشلیم که گریز را قبل از وقوع حادثه ترجیح می‌دادند و نه توسط تبعیدیان که حاضر نبودند زمان آزمایش را مقدمه‌ای بر پیمان نو بدانند، درک نشد

الهامات بدبختی
و الهامات نجات

پیام انبیا در کتاب مقدس همواره شمشیر دو دم بوده که در عین خشن بودن تسلی بخش نیز می‌باشد. نبی، غالباً بسیار خشن و جدی دامنهٔ گناه قوم را که باعث هدایت مستقیم آن به سوی فاجعه می‌شود، آشکار می‌سازد. نبی گناه را همچون نتیجه قساوتی قلب قوم و مجازات خدا معرفی می‌کند. انبیا از قرن هشتم تا ششم قبل از میلاد درگیر حوادث بزرگ تاریخ ملی، اضمحلال حکومت شمال (۷۲۲) تا بازگشت از تبعید بابل (۵۳۸) بودند.

عاموس و هوشع و اشعیا در قرن هشتم به وضوح بدبختی را که بر قوم اسرائیل نازل خواهد شد اعلام می‌کردند. این الهامات بدبختی یقیناً با موعظه‌ای که از امید پس از سختی و آزمایش سخن می‌گفت، همراه بودند. اما بازگشت سعادت مشروط به قلبی منقلب است.

پس از زمان آزمایشات و در زمان تبعید، ارمیا و حزقیال بیشتر مردم را دعوت به بازگشت به سوی خدا نمودند. پس از تبعید الهامات سلامتی(نجات) در کتاب اشعیای ثانی (بابهای ۴۰-۴۵) بیشتر به چشم می‌آیند . به همین دلیل و نیزبه دلیل اولین کلمات باب ۴۰، این کتاب به کتاب تسلی ملقب شده است.

به نظر می‌رسد که قوم پیش از تبعید قادر به پذیرش دعوت انبیا نبود. پس این الهامات بدبختی شواهدی غم‌انگیز بودند از آنچه در انتظار قلبهای سخت بود و نه فال و جادو.

حرکات نمادین، زبانی نبوتی

روزی ارمیا از خداوند فرمان یافت تا برای خود یوغی بسازد و بر گردن خود نهاده میان مردم ظاهر شود و به همین صورت به حضور صدقیای پادشاه برود و بگوید: **امتی که گردن خود را زیر یوغ پادشاه بابل بگذارند و او را خدمت نمایند خداوند می‌گوید که آن امت را در زمین خود ایشان مقیم خواهم ساخت** (۱۱:۲۷). با آنکه ارمیا از سوی خدا سخن می‌گوید اما پیام تسلیم به دشمن سخنی بسیار سخت و باور آن مشکل است. ارمیا برای اهمیت بیشتر بخشیدن به کلامش آینده قوم یعنی فرمانبرداری اجتناب ناپذیر اهالی یهودا به بابل را تقلید می‌کند. ارمیا پیامهای دیگری را نیز از طریق حرکات نمادین به قوم رسانیده است که ذیلاً چند پیام را نقل می‌کنیم.

کمربند پوسیده (باب۱۳)

این حرکت نمادی هرچند غیر عادی اما بسیار گویا و پرمفهوم می‌باشد. ارمیا کمربندی گران قیمت از کتان که صاحب‌منصبان و اشراف به کمر می‌بندند برای خود تهیه می‌کند. آنگاه پس از آن که به فرمان خدا آن را چند صباحی به کمر بست، می‌رود و کمربند را در شکاف مرطوب صخره‌ای در ساحل فرات می‌گذارد. پس از مدتی چند خدا ارمیا را برای آوردن کمربند به فرات می‌فرستد همان‌طور که انتظار می‌رفت کمربند زیبا پوسیده و از بین رفته بود. ارمیا این حرکت نمادین خود را این گونه توضیح می‌دهد: خداوند بنی‌اسرائیل را همانند کمربندی زیبا به خود بسته بود. اما آن کمربند از کمر صاحب خود باز شده در آبهای بابل افتاده و پوسیده است. بنابراین بنی‌اسرائیل با دور شدن از خدای خویش به سوی نابودی و نیستی می‌روند. حرکت نبی به همان نسبت که زمان پیش می‌رود نمادی‌تر می‌شود؛ درست به مانند عهد بین

خدا و اسرائیل که به تدریج گسیخته می‌شود. چنانچه قوم به بی‌وفایی خود ادامه دهد آینده‌ای همانند آن کمربند خواهد داشت؛ اما قوم هنوز می‌تواند با عوض کردن رفتارخود و بازگشت به سوی خدا، دوباره به خدای خویش بپیوندد.

اما در این روایت این مسئله‌ای مطرح می‌شود که ارمیا چگونه توانسته دوبار به این مسافرت ۱۲۰۰ کیلومتری تا رود فرات تن در دهد؟ شاید او نام رود را به بازی گرفته است و منظورش، پرات (به زبان عبری) بوده است که نام دره‌ای در چند کیلومتری عناتوت یا همان «عین فرا» ی کنونی می‌باشد. در هر حال بابل عامل اصلی انحطاط اسرائیل است و بعدها بنی‌اسرائیل به آنجا تبعید خواهند شد.



ارمیا نزد کوزه گر.

تصویر برگرفته شده از کتاب مقدس ژرون

تجرد ارمیا (باب۱۶)

این حرکت نمادی مربوط به زندگی شخصی خود نبی و نوعی زندگی دائمی است. درواقع خدا از او می‌خواهد زندگی متفاوتی با زندگی دیگران داشته باشد و از ازدواج و پدر شدن صرف نظر نماید. ارمیا با وفاداری به خدای خویش ، تنهایی و بی باری و بی ثمری را می پذیرد تا آیت زنده‌ای وهمیشگی باشد برای هم عصران خویش که در فراموشی و بی قیدی گمراه شده‌اند. ارمیا با این عمل درواقع زمان عزلت و بی باری را که همان تبعید است به ایشان اعلام می‌دارد، تبعیدی که چنانچه بنی اسرائیل همچنان به امتناع از بازگشت کامل به سوی خداوند ادامه دهند سرنوشتشان خواهد بود.

کوزه شکسته (باب۱۹– ۲۰:۶)

این حرکت نمادین در درهٔ ابن هنوم که از جنوب و غرب اورشلیم را دربرمی‌گیرد به نمایش گذاشته می‌شود. این دره به دره قتل مشهور است چرا که گاه به گاه کودکان بی‌گناه را درآن قربانی می‌کردند (ر.ک.ارمیا۷: ۳۱-۳۲). این عمل وحشتناک نشان می‌دهد که بنی اسرائیل عهد خود با خدا را شکسته‌اند. پس ارمیا باید کوزه‌ای را بشکند تا نشان دهد که خدا نیز **به نوعی که کسی کوزهٔ کوزه‌گر را می‌شکند و آن را دیگر اصلاح نتوان کردهمچنان این قوم و این شهر را خواهد شکست** (ارمیا۱۹:۱۱). از آنجا که این حرکت به فرمان خداست پس باید انتظار آن را داشت چرا که خدا به گفته‌اش عمل می‌کند. این حرکت ،یادآور جادویی بسیار معمول در مصر بود. در آن روزگار در مصر نام دشمنان را بر کوزه‌ای می نوشتند و سپس با لعن و نفرین کوزه را می‌شکستند تا نابودی و اضمحلال دشمن را باعث شوند. در اینجا خدا به اختیار و آزادی کامل نتایج غیر قابل اجتناب شکست عهد را این چنین اعلام می‌دارد: تبعید و نابودی اورشلیم نتبجهٔ آن خواهد شد.

خرید مزرعه (۳۲:۶-۱۵)

این روایت صحنه‌ای از زندگی عادی و روزمره است که تبدیل به نمادی از آینده اسرائیل می‌شود. پسر عموی ارمیا ضمن ارزیابی موقعیت آن زمان و با توجه به حق بازخرید بر زمینی که او می‌خواهد تفکیکش نمایدازارمیا می‌خواهد زمین را بازخرید نماید. بازخرید زمین توسط یک نبی کاری بسیار غیر عادی و از دید انسانی کاری بس غیر محتاطانه بودزیرا ارتش بابل در اطراف اورشلیم اردو زده و آینده بسیار مبهم بود. زمان برای خرید و فروش زمین مناسب نبود! ارمیا که از سوی خدا اضمحلال قریب‌الوقوع را اعلام می‌کرد حال از سوی همان خدا برای باور به آینده دعوت شده است. آیا خدا می‌تواند ضد و نقیض بگوید؟ **تو ای خداوند یهوه به من گفتی که این مزرعه را برای خود به نقره بخر و شاهدان بگیر و حال آنکه شهر به دست کلدانیان تسلیم شده است!** (۳۲:۲۵).

مفهوم حرکات نبوتی

این حرکات، روشهایی رایج برای ایجاد ارتباط در کتاب‌مقدس بخصوص در کتاب ارمیا می‌باشند. گاه این حرکات نمادی مربوط به زندگی خود نبی می‌شوند مثلا" تجرد ارمیا یا ازدواج هوشع با یک فاحشه (هوشع۱:۲-۹)؛ حتی می‌توانند مربوط به خانواده نبی نیز باشند (اشعیا۸:۱-۴). اما اغلب در رابطه با اشیای نمادی می‌باشند. یکی از مفسرین ،۳۳ حرکت نمادی را در تمام کتاب‌مقدس برشمرده است (با درنظر گرفتن حرکت آغابوس در قیصریه در کتاب اعمال ۲۱:۱۰-۱۲).

از آنجا که خدا این حرکات را به نبی الهام می‌کند پس می‌توان گفت حرکاتی مؤثر می‌باشند. کلام خداکه همراه این حرکات است آنها را از جادو یا هر عمل دیگری که بتوان این حرکات را به آنها تشبیه کرد ،مبری می‌سازد . حرکات نبوتی گفتگوهای دوجانبه بین خدا با نبی‌اش و توسط او با قومش می‌باشند. وقتی که کلام دیگر اثری نبخشد و بحران به حدی برسد که ارتباط قطع شود،خدا این

روشهای بیانی شگفت و محرک راا نتحاب می کند. بدین ترتیب نبی گفتگویی را برقرار می سازد: حرکت تبدیل به زبان می شود و گفتگو میان خدا و قوم ممکن می شود(بازگشت به سوی خدا امکان پذیر می گردد).

استعاره های ارمیا

این حقیقت که ارمیا یك روستایی زاده است از استعاره هایی که در الهاماتش به کار برده پیداست.

این فهرست حیواناتی است که ارمیا در الهاماتش از آنها نام می برد: عقاب، الاغ، شغال، ناقه، اسب، حاجی لك لك، کبوتر، ملخ، اسب، ماده گوساله، پرستو، مادیان، شیر (۴ کلمه مختلف) روباه، گوسفند و بره (۹ کلمه)، گورخر، ببر، کبك، باز، ملخ، مار، خرمگس، گاونر، قمری، گوساله، افعی؛ بدون اینکه چوپان، شکارچی، شکارچی پرنده، صیاداز قلم انداخته شوند.

فهرست گیاهان و محصولات کشاورزی: خرمن، درخت بادام، درخت-درختچه، شاخه، غلات (۵کلمه)، مزرعه، خار، مترسك، درخت انجیر، جنگل، کود، جوانه، باغ، درخت زیتون، نوبر محصول، دروگر، انگورچین، تاك، شراب (۴ کلمه).

« حکم مرگت را امضاء کردی! »

شخصی به نام اوریا وجود داشت که هیچ گونه شانسی برای زنده ماندنش باقی نمانده بودزیرا سخنانش به گوش پادشاه و وزرایش رسیده و ایشان تصمیم به قتلش گرفته بودند. اوریا از این قصد آنان آگاه شد و به مصر فرار کرد. دسته ای سرباز در پی او روانه شد و او را از مصر باز آورد. شاه ،اوریا را به محض رسیدن فی المجلس اعدام کرد، جسدش در قبرستان عوام الناس انداخته شد. باید این مرد را ساکت می کردند چرا که **همانند ارمیا علیه شهر و سرزمینش نبوت کرده بود** (ارمیا۲۶: ۲۰-۲۴). نام مجرم واقعی یعنی ارمیا آشکار می شود . سرانجام وحشتناک اوریا برای ارمیا نیز رقم زده شده بود اما او دوباره گریخت، ولی به چه قیمت**!**؟

مرگ پرسه می زند

با مطالعه چند بابی از کتاب ارمیا که فعالیتهای او را توصیف کرده اند این احساس به آدمی دست می دهد که مرگ در اطراف نبی پرسه می زند. بسیارند اشخاصی که در پی مرگ او می باشند. از جمله هم ولایتیهایش یعنی ساکنین عناتوت، نزدیکان و اقوامش و تهدیدشان آشکار و مشخص است: **به اسم خداوند نبوت نکن که به دست ما کشته خواهی شد** (۱۱:۱۲). کاهنان و دیگر انبیا نیز می گویند: البته خواهی مرد (۲۶:۸). پس به سوی رؤسای قوم می روند و درخواست قتل او را می نمایند (۲۶:۱۱). یهویاقیم پادشاه نسبت به ارمیا بدگمان است و خواهان نابودی اوست. در زمان محاصره اورشلیم وقتی حلقه محاصره اندکی باز شد ارمیا برای خرید مزرعه ای در نزدیکی عناتوت از شهر خارج شد. نگهبانان به خیال اینکه او می رود تا به دشمن ملحق شود دستگیرش ساختند. وزرا محکومش کردند: **تا این مرد کشته شود زیرا که بدین منوال**

دستهای مردان جنگی را که در این شهر باقی مانده اند و دستهای تمامی قوم را سست می کنند زیرا که مثل این سخنان به ایشان می گوید زیرا که این مرد سلامتی این قوم را نمی طلبد بلکه ضرر ایشان را (۴:۳۸).

شاه در خفا به دیدن ارمیا رفته ،او را نصیحت می کند و جانش را در ازای شرطی به او می بخشد: **زنهار کسی از این سخنان اطلاع نیابد و نخواهی مرد (۲۴:۳۸)**. ارمیا در سیاه چالی مملو از گِل و لجن انداخته می شود و در آنجا به انتظار مرگش می نشیند. ارمیا در آخرین لحظات توسط یک خواجه سرای بیگانه که شفاعت او را نزد پادشاه می کند نجات می یابد: او در جایی که هست از گرسنگی خواهد مرد!. پادشاه امر فرموده گفت: **ارمیای نبی را قبل از آنکه بمیرد از سیاه چال برآور** (۳۸:۶-۱۳). چرا ارمیا را که توانست از مرگی که بی وقفه تهدیدش می کرد برگریزد سرزنش کرده اند؟

ارمیا روحیهٔ قوم را می شکند

سخنان ارمیا باعث زحمت، از بین رفتن روحیه و فاجعه ساز می باشند. همین دلایل برای سر به نیست کردنش کافی می باشند. ارمیا متهم به پذیرش شکست شده است، امری که با منطق زمان جنگ سازش نمی کند. آیا ارمیا این سخن خدا را که پیش از این به اشعیا گفته شده، از یاد برده است: **زیرا که این شهر را حمایت کرده به خاطر بندهٔ خویش داود آن را نجات خواهم داد** (اشعیا۳۷:۳۵). کاهنان با توجه به این سخن می اندیشیدند که اورشلیم و هیکلش مورد حمایت خدا و به دور از تهاجم و استیلای بیگانه است. ارمیا می خواست آنان را از این توکل اشتباه برحذر دارد. وعده خدا به هیچ وجه خودکار و بی اراده نیست بلکه برای رسیدن به وعده باید طبق مقتضیات عهد زندگی کرد. فریاد **هیکل یهوه! هیکل یهوه** (ارمیا۷:۴) کاملاً بی فایده است.

بعلاوه ارمیا متهم به همکاری با دشمن شده است. اغلب همکاران نبی اعلام می دارند که در صورت اتحاد با مصر علیه بابل خوشبختی و پیروزی نصیب

اورشلیم خواهد شد. اما ارمیا با فراست خویش درمی یابد که ارتش بابل با قدرت خود تمام منطقه را درخواهد نوردید و مقاومت در برابر آن بی فایده است. پس تسلیم و فرمانبرداری از نبوکدنصر را توصیه می کند. پس از اشغال شهر، نبوکدنصر به رئیس جلادان خود می گوید: **او را بگیر و با او نیک متوجه شده هیچ اذیتی به وی مرسان بلکه هرچه به تو بگوید برایش به عمل آور** (۱۲:۳۹). همفکری با دشمن قابل اغماض نیست.

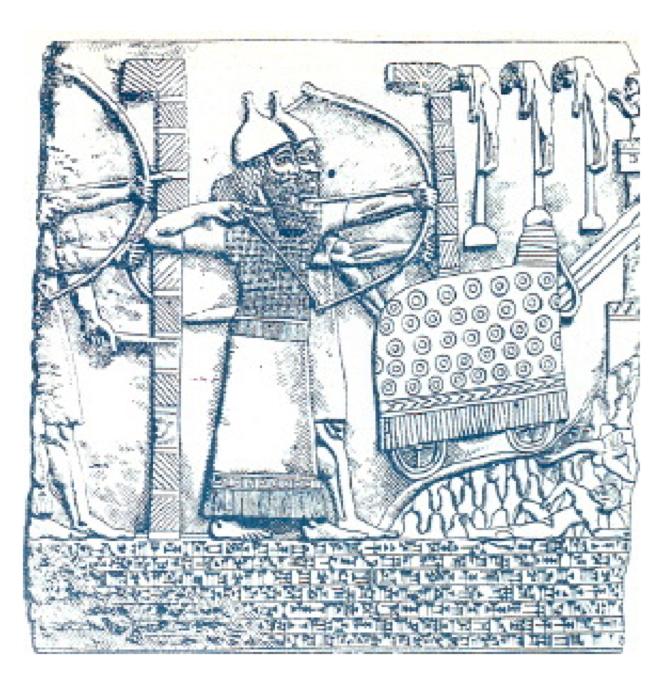
و اگر او واقعاً نبی باشد؟

نبی به مرگ محکوم شده اما هیچ کس نمی خواهد مسئولیت اعدام او را به عهده گیرد. بعلاوه مورد حمایت خانواده ای دوست یعنی شافان قرار گرفته است. درواقع از روایات چنین پیداست که ارمیا موجب هراس قوم است. قوم از خود می پرسد اگر او یک نبی حقیقی باشد چه؟ و قوم به خود می گوید: **این مرد مستوجب قتل نیست زیرا به اسم یهوه خدای ما، به ما سخن گفته است** (۱۶:۲۶). ریش سفیدان قوم به یاد می آورند که پیش از این میکا نیز بدبختی را اعلام کرده بود و هیچ کس او را به قتل نرسانده بود! (۱۹:۲۶). **اگر کلام آن نبی واقع گردد آنگاه آن نبی معروف خواهد شد که خداوند فی الواقع او را فرستاده است** (۹:۲۸). پس با ارمیا باید محتاط بود!

روایات

ارمیا حقیقتا" نبی بزرگی بود و صحت و درستی سخنانش تأیید شده اند. اعتقاد و ایمان نگارندگان روایات ارمیا به او باعث شده تا سخنان وی را در مجموعه الهاماتش نوشته و به ایمانداران بنی اسرائیل منتقل سازند. این نگارندگان چهره ای حقیقی از نبی خدا ترسیم کرده اند، نبی که در هر موقعیت اتفاقات را می پذیرد و بی جهت به تکرار مکرر سخنان اطمینان بخش خدا در گذشته نمی پردازد. رسالتش او را ملزم می سازد تا بگوید که عهد با خداوند خدا

برای نجات قلوب است و نه یک بنا از قبیل هیکل یا پادشاهی و یا حتی کشور. سنتها باید تصحیح و با مقتضیات روزگار منطبق شوندتا سخن امروز گردند. کاهنان، انبیا و شاهان آن عصر اورشلیم از درک این امر قاصر بودند اما خوانندگان کتاب ارمیا دیگر هیچ عذری ندارند.



آشوریها قبلا" اورشلیم را در سال ۷۰۱ قبل از میلاد به محاصره درآورده بودند. ارمیا اعلام می کند بابلیهاهمین کار را خواهند کرد. نقش برجسته آشوریها متعلق به قرن هشتم قبل از میلاد.

خدا محاکمه می‌شود
اعترافات ارمیا

به هنگام بروزحادثه ای ناگوار، ایماندار همیشه از خود می پرسد: خدا کجاست وچه می کند؟ چگونه می توان بی عدالتی و موفقیت بدکاران، بدبختی، بیماری ، جنگ و زمین لرزه را درک کرد؟ چگونه می توان حضور یک قربانی بی گناه را تحمل کرد؟ انسان امروز در مواجهه با آزمایشی که از توضیح آن عاجز است وجود خدا را زیر سؤال می برد. از نظر نبی اسرائیل، بخصوص از نظر ارمیا،خدا نمی تواند وجود نداشته باشد اما امکان دارد خدا نیز شخصی که او را ترک کرده ، ترک کند و در نتیجه دیگر مسئله نبی بودن مطرح نیست. او خدا را به محاکمه می کشد تا کار خود را توجیه کند.

متون بسیاری در کتاب مقدس از جمله اعترافات ارمیا همانند روایت یک محاکمه به نظرمی رسند. چقدر بی معنی است که آنها راهمچون مرثیه وندبه به حساب آورد زمانی که موضوعشان اعتراض شدید علیه رنج وفریادی بسوی خدا است تا این جهان، تبدیل به زمینی قابل سکونت برای همه و این حیات، یک زندگانی شایسته شود. در کتاب ارمیای نبی ۵ متن در بابهای ۱۱- ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰ متون اعترافات نامیده شده اند که سه متن از این متون در اینجا مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

رنج عادلان،
خوشی شریران (۱۲:۱-۵)

ارمیا خطاب به خدا می گوید: **ای خداوند تو عادل هستی** . ارمیا با بیانی گرم و جذاب از خدا دادخواهی می کند: **شکایتی علیه تو دارم... با تو سخنی دارم.**

ارمیا شاکی و خدا متهم است. ارمیا مشکلی را که بر روح اسرائیل سنگینی می‌کند، یعنی رنجعادلان و شادی شریران را از زاویه رنج و زحمت شخصی خود مطرح می‌سازد. انسان در این گفتگوی رو در رو جرأت می‌ورزد خدا را استیضاح نماید؛ ارمیا شکایت خود را در مورد کل هستی بسط می‌دهد: زمینی را که آفریده ای نگاه کن : **تا به کی ماتم خواهد نمود و گیاه تمامی صحرا خشک خواهد ماند... حیوانات... تلف شده اند.** فاجعه جنبه جهانی به خود می‌گیرد و خدا همچون خالقش ، تقصیراتش بیشتر می‌شود.

خدا در آیهٔ پنجم به ارمیا پاسخ می‌دهد که باید پر طاقت تر از اینها باشد چرا که حقیقتاً هنوز چیزی ندیده است! این آزمایش عادل است که ایمانش، در کشوری که در حال جنگ (آنچه اسبها القاء می‌کنند) است یا درخطری (مانند رودهای اردن)،محک زده شود و نه در کشوری در حال صلح که حفظ و نگهداری ایمان در آن سرزمین کاری سهل و ساده است. خدا توضیحی اطمینان بخش یا تسلی آرام بخش یا حتی وعده‌ای برای آینده‌ای بهتر نیز نمی‌دهد. خدا اعتمادی قاطع و مستحکم را می طلبد (۱۷:۱) و ارمیا را به ایمانی سخت و محکم دعوت می‌کند. **زیرا که هم برادرانت و هم خاندان پدرت به تو خیانت نمودند و ایشان نیز در عقب تو صدای بلند می‌کنند و پس اگر چه سخنان نیکو به تو گویند ایشان را باور مکن.**

مبارزه‌ای درونی (۱۵:۱۰-۲۱)

این روایت یکی از با ارزش ترین روایات برای شناخت ارمیاست چراکه تزلزل دردناک مردی را در مبارزهٔ درونی با خود نشان می‌دهد. درست همانند مجروحی با جراحت شدید که مادرش را فرا می‌خواند تا شاهد وی گردد: **همه مرا لعنت می‌کنند** . از آنجا که به وی توهین و بی‌احترامی شده خود را تیره بخت می‌داند. از خدا می‌خواهد به جای اینکه اینقدر نسبت به آنان صبور باشد انتقامش را از آنانی که او را بی‌قدر و منزلت ساخته‌اند بگیرد. ارمیا برای متقاعد ساختن

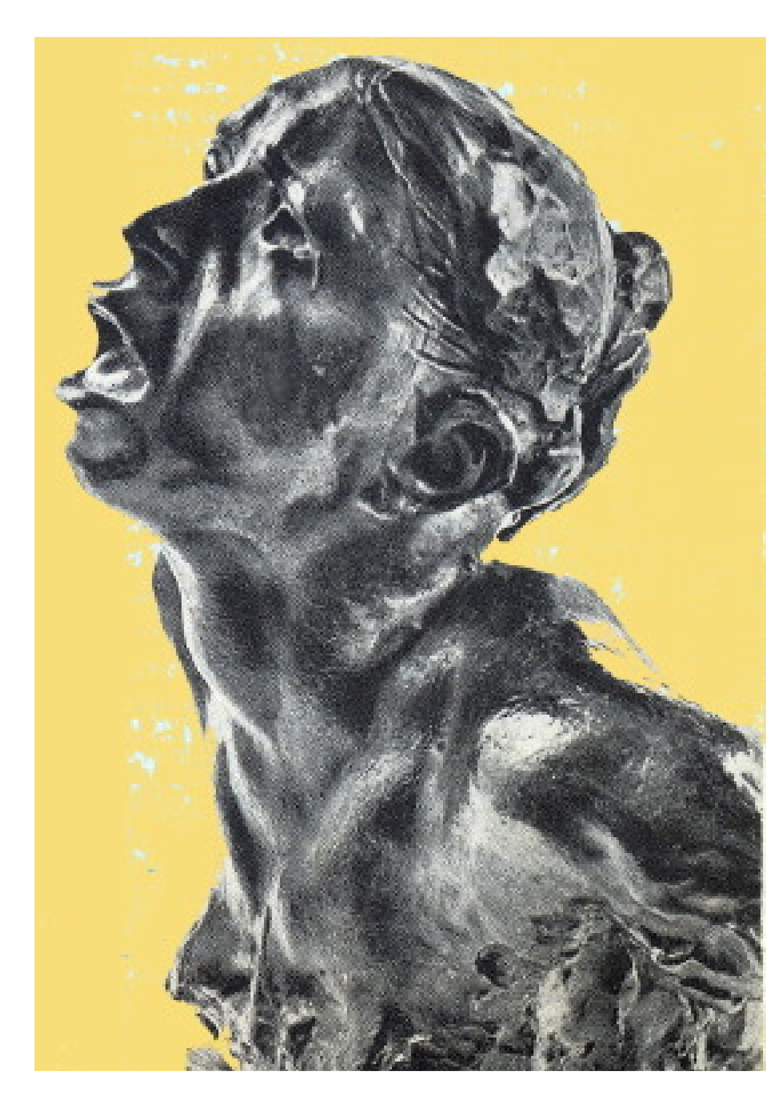
خدا، انزوا و تنهایی‌اش را شرح می‌دهد تا آنجا که به مرز کفرگویی می‌رسد: **تو برای من مثل چشمه فریبنده و آب ناپایدار خواهی شد.**

این، مبارزه‌ای روحانی است که شخص دعا کننده درگیر آن است. مبارزه‌ای که شخص در طی آن هم خدا را باور دارد و هم باور ندارد، مبارزه‌ای که شخص در عین ضعف و ناتوانی، توانایی بسیار دارد چرا که به ضعف خود پی می برد. ارمیا به شیوه‌ای مؤثر و هیجان‌آور موجودیت خود را بیان و تأیید می‌کند: یک زندگانی سوا، زندگانی بی ثمر یک نبی... آنگاه خدا با رجوع دادن به دعوتش، به وی پاسخ می‌دهد : **اینک کلام خود را در دهان تو نهادم (۹:۱)؛ تو مثل دهان من خواهی بود (۱۹:۱۵)**. و اما نبی چه پاسخی می دهد؟ خدا که در صحرای سینا خود را همانند **خداوند خدای رحیم و رئوف و دیرخشم و کثیر الاحسان و وفا** (خروج ۶:۳۴) ظاهر ساخت باید به این خدا وفادار بود و به هنگام دوری از اوبایست به سوی او بازگشت نمود. ارمیا نیز به این بازگشت فرا خوانده شده است. توجه داشته باشید که چگونه سه مرتبه از فعل بازگشت در آیه ۱۹ استفاده شده است.

ارمیا نمی بایست از توهین و بی‌احترامی یا از دورماندن از خدا هراس به دل راه دهد. به عنوان حامل کلام، این ثبات و وفای اوست که دیگران را به خود جلب می‌کند. برای او تسلیم و برکناروجود ندارد بلکه وعده «تزلزل ناپذیری» . دعای ارمیا اجابت می‌شود : **تو را از دست شریران در شادی از بازگشت خواهم رهانید زیرا خدا می‌فرماید: برای نجات دادن و رهانیدن تو با تو هستم.**

مبارزه ایمان (۲۰:۷-۱۸)

ارمیا کوزه‌ای را در انظارعمومی می‌شکند تا نشان دهد که خدا به همان ترتیب اسرائیل و شهر اورشلیم را خواهد شکست. این حرکت نبوتی باعث مجازاتش می‌شود (۲:۲۰). پس او را در ملاءعام به چوب می بندند. متن این آخرین اعتراف ، با سرود ستایشی که نگارنده شاید برای کاستن از شدت خشونت دعا آن را در اینجا قرار داده ، به دو بخش تقسیم شده است. اما بودن



تا زمانی که دلی اندوهگین و جگری پاره داشتم مانند حیوان بودم اما با تو بودم.

مجسمه ای ازآگوست رودن Auguste Rodin به نام فریاد

این سرود در این قسمت، امکان درک این مطلب را نیز میسر می سازد که انسان نومید همان انسانی است که می تواند عصیان خود را کنار گذارده و به دعا گوش فرا دهد و دعوت به ستایش را بپذیرد.

تو مرا فریفتی! ارمیا خدا را متهم می کند که از جوانی او سود برده او را فریفته است درست همانطور که از دختر جوان سوءاستفاده می کنند: این عبارت در خروج ۲۲:۱۵ و داوران ۱۶:۵ نیز در همین مفهوم به کار گرفته شده است. ارمیا که به جهت گفتن کلام خدا تنبیه شده خود را مورد غضب خدا و خلق می یابد. **آری من زیاد خوش باور بودم!** او که فریفته شده در عین حال خود را فریب می دهد. دست آخر آیا او نیز یک پیامبر دروغین، یک پیامبر خیالی نیست؟ بنی اسرائیل در آستانه تبعید است؛ جسم ارمیا در رنج است و روحش مدام اعتراض می کند و در این حال است که مقاومت می کند: **در دل من مثل آتش افروخته شد و در استخوانهایم بسته گردید از خودداری خسته شده باز نتوانستم ایستاد.** او می‌خواهد خدا را فراموش سازد اما جسمش خدا را به یاد او می آورد.

دعای ستایش پیش از آغاز دومین فریاد، آیینی است مانند خواندن مزامیر (۲۰:۱۴-۱۸). این دعا بدون اعلام اعتمادی که سرانجام بدست می‌آید پایان می پذیرد. ارمیا روز تولدش را نفرین می کند و مرگ را برای فرار از دعوت خدا ترجیح می دهد و میل ندارد شهرهایی را ببیند که خداوند می شکند، درست همانطور که او کوزه ای را شکست. یا درواقع میل ندارد این جنگ راکه نتیجه ای جز شکست ندارد ببینید. این متن هیچ پاسخی به ما نمی‌دهد. خدا سکوت کرده است. چگونه می توان به باغ جتسیمانی نیندیشید؟

مردان خدا همواره در مزمور ۷۳ تأمل کرده اند: **دل من تلخ شده بود و در اندرون خود دل ریش شده بودم. من وحشی بودم و معرفت نداشتم و مثل بهایم نزد تو گردیدم ولی من دائماً با تو هستم.** ادامه تاریخ شاهدی بر حضور خداوند است. ارمیا تا انتهای راه خود رفته است. عیسی راه را بر ما گشود.

عهدی نوین (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴)

بابهای ۳۰ و ۳۱ کتاب ارمیا از آنجا که تنها بابهایی می باشند که امید و نجات را اعلام می‌دارند به مانند واحه ای سرسبز در بیابان کتاب ارمیای نبی به نظر می‌رسند. شگفت اینکه ارمیا در اینجا بنی‌اسرائیل را مخاطب می‌سازد و نه ساکنین یهودا را؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که خطاب ارمیا به اهالی حکومت قدیمی شمال بوده که در سال ۷۲۲ توسط آشوریها فتح شده بود و بعدها توسط یوشیا، پادشاه یهودا، بازپس گرفته شد. آیا ارمیا در این سالهای بازسازی که از سال ۶۲۲ آغاز گشته بود ایمانداران حکومت شمالی را برای اتحادی دوباره در عهد گرداگرد اورشلیم دعوت می کند (۶:۳۱)؟ در هر حال بعدها این الهامات در مورد یهودا گفته شده اند (ر.ک ۳۱:۳۱).

عهد شکسته شده

الهام ۳۱:۳۱-۳۴ با اعلام «**عهد نوین**» آغاز می‌شود. این تنها متن عهد عتیق است که از عبارت «عهد نوین» که اهمیتی عظیم خواهد داشت استفاده می کند (آیه۳۱). چرا عهدی نوین؟ برای آنکه اولین عهد، عهد کوه سینا، شکسته شده است: **عهدی که با پدران ایشان بستم در روزی که ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر بیرون آورم زیرا که ایشان عهد مرا شکستند با آنکه خداوند می گوید من شوهر ایشان بودم** (آیه۳۲). این عهد دارای شرایطی بود؛ خدا در این عهد خود را نسبت به اسرائیل متعهد ساخته بود چنانچه اسرائیل وفادار باشد و شریعتش را نگاه دارد. **امروز حیات و نیکویی و موت و بدی را پیش روی تو گذاشتم... حیات را برگزین** (تثنیه۳۰:۱۵-۲۰). اما وقایع حاکی از بی وفایی بنی‌اسرائیل می باشند و حکومت شمال به دلیل از دست دادن ایمانش به خدا مضمحل و نابود گشت.

سالها بعد وضع در حکومت یهودا نیز بهتر از این نبود. بازسازی و اصلاحات یوشیا به مدت ۱۲ سال دورخیزی بلند داشتند اما به محض مرگ ناگهانی پادشاه به سال ۶۰۹ تمام تلاشها برای بازگشت به سوی خدا متوقف شد و آیین بت‌پرستی در هر گوشه و کناری پدیدار گشت. این وضع برای ارمیا سرخوردگی کشنده بود و می گفت: قطعاً، قوم خدا به درجات بالا نخواهد رسید! **آیا حبشی پوست خود را تبدیل تواند نمود یا پلنگ پیسه های خویش را؟ آنگاه شما نیز که به بدی کردن معتاد شده اید نیکویی توانید کرد!** (۲۳:۱۳)؛ **گناه یهودا به قلم آهنین و نوک الماس مرقوم است و بر لوح دل ایشان ...منقوش است** (۱:۱۷). بدی شدت بسیار یافته است: عهد هیچگاه نمی‌تواند با این قوم به نتیجه برسد، مگر اینکه...

تحول درونی انسان

...مگر اینکه خدا دل ایشان را متحول سازد: **شریعت (تورات) خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود** (آیه۳۳). آنچه را انسان قادر به انجامش نیست خدای خالق قادر به انجامش می باشد. چگونه؟ آیا باید انسانهای دیگری را که جاهل به بدی و نتیجتاً جاهل به آزادی باشند بیافرینند؟ سرانجام بنی اسرائیل چه خواهد شد؟ نه! عهد جدید که ارمیا آن را اعلام کرده ، بی کم و کاست با بنی‌اسرائیل منعقد می شود. اما رابطه بین خدا و قومش تغییر خواهد کرد. عهد آینده عهدی مشروط نخواهد بود بلکه عهدی رایگان و غیر شرطی و تنها مبتنی بر اراده خدا برای نجات و حیات اسرائیل خواهد بود هرچند اسرائیل بی‌وفا و ناشایست باشد. چگونه؟ از این پس شریعت خدا بر لوح سنگی حک نخواهد شد بلکه بر قلب انسان که مأمن امیال، اندیشه و تصمیم گیری است، حک خواهد شد. این عهد تنها در اندرون انسان گذاشته نخواهد شد بلکه به او داده خواهد شد. برقراری رابطه با خدای عهد از طریق نبی و یا کاهن نخواهد

بود: **زیرا جمیع ایشان از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت چونکه عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد** (آیه۳۴). تا آنجا که که خدا از انسان توقع دارد ، خیال واهی است بایستی خدا به انسان آن چیزی را عطا کند که توسط آن بتواند خدا را بشناسد و به او پاسخ دهد: **ایشان را یک دل و یک طریق خواهم داد... ترس خود را در دل ایشان خواهم نهاد تا از من دوری نورزند** (۳۲:۳۹-۴۰).

عهدی مبتنی بر بخشش

برای آنکه انسان اصلاح شود خدا باید رابطه اش را با او «تغییر» دهد؛ پس سرانجام به جای نفرین که گناهکار را تهدید می کند بخشش اعلام می شود. سفر تثنیه بسیار خوش بین هستد که می انگارد، انسان خود، حیات و نیکویی و بالاخره وفاداری به خدا را برخواهد گزید. ارمیا واقع بین تر است و می گوید: خوش بینی کافی نیست. انسان می تواند به خود بدی روا دارد و از آن رنج و زحمت بیند؛ اما نمی تواند خود را از آن رها سازد. تنها خدا می تواند نجات و رهایی یا به عبارتی بخشش را به وی بدهد. غیرممکن است بتوان با روش حساب کردن و مجازات ادامه داد چرا که انسان همواره بازنده خواهد بود.

خدای ارمیا برای شکستن زنجیر شریعت- گناه- مجازات، عهدی نوین را ابداع می کند؛ عهدی که شریعت در آن تبدیل به اشتیاق به آنچه خدا می خواهد می شود، یعنی روح خدا در روح آدمی می شود. حزقیال نیز در سالهای بعد همین پیام امید و بخشش را اعلام خواهد کرد: شما را از همه نجاسات و از همه بتهای شما طاهر خواهم ساخت. دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد... روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد و شما را به فرایض خود سالک خواهم گردانید تا احکام مرا نگاه داشته آنها را به جا آورید (حزقیال۳۶:۲۵-۲۷). ارمیا از عهدی جاودان سخن می گوید که منظور همان

عهد نوین است چرا که وقتی خدا عهد تازه ای می بندد این عهد، عهدی قطعی است (ارمیا۳۲:۴۰؛ ۵:۵۰).

آنچه ارمیا همانند تنها راه حل ممکن پیش بینی کرده بود روزی تبدیل به یقین خواهد شد. در یکی از شبهای بهاری سال ۳۰، عیسی در خانه ای در اورشلیم طی آخرین شام خود به دوستانش خواهد گفت: این پیالهٔ عهد جدید است در خون من. هرگاه این را بنوشید به یادگاری من بجا آرید (اول قرنتیان ۱۱:۲۵).



ارمیا شهر بابل را به یهودیان اسیر نشان می‌دهدکه می بایستی به آنجا برده شوند.

نسخه خطی در کتابخانه قدیس ژونویو Sainte-Geneviève

یك مرد ، یك كتاب

مصاحبه با ژوئل فری ، از اساتید انستیتو كاتولیك پاریس

❖:ارمیای نبی حدود سال ۶۰۰ پیش از میلاد نبوت کرده و امروزه می توان سخنان او را در کتابی مطالعه کرد. چه کسی سخنان ارمیا را به رشته تحریر در آورده است؟

✠: به سال ۶۰۵ ارمیا پس از یک سری سخنرانی که باعث انزجار قوم شد، حق سخنرانی و موعظه در هیکل را از دست داد. از همین روز بنا به دستور خدا، او سخنانی را که خدا در مورد اسرائیل، یهودا، و تمام ملل به او می فرمود به باروک کاتب دیکته کرد و سپس او را فرستاد تا طومار را در هیکل بخواند. طومار از باروک گرفته شد و یهویاقیم پادشاه طومار را پاره کرده سوزانید. بعدها ارمیا در سال ۶۰۱ باز طومار جدیدی به کاتبش دیکته کرد. باروک در تمام مدت رسالت ارمیا(باب۳۱و۴۵)، جز هنگام تبعیدش به مصر در ۵۸۶، او را همراهی کرده است (۳:۴۶). پس باروک نقش مهمی در نگارش الهامات نبی داشته است.

کتاب ارمیا یک کتاب قطور است. آیا حقیقتاً ارمیا تمام این سخنان را ادا کرده است؟ در حقیقت این کتاب قطورترین کتاب عهد عتیق می باشد (اگر کتاب اشعیا که الهامات چند نبی را در خود جمع داردمستثنی کنیم). کتاب ارمیا شامل ۵۲ باب و دقیقاً ۱۳۶۴ آیه می باشد! اما شما تمام این مجموعه را می توانید طی ۲ ساعت بخوانید. این کتاب قطور عهد عتیق تنها حدود صد صفحه از کتاب مقدس را به خود اختصاص داده ،که البته این صفحات برای ۴۰ سال رسالت زیاد نیست!

کتاب شامل متون گوناگون است. سخنان زیادی حقیقتاً خطاب به شاه، کاهن

و قوم یهودا خطاب شده اند. گاه خود ارمیا اتفاقاتی را که بر وی گذشته و احساسات و تجربهٔ روحانی اش (شادی و مشکلات نبی بودن، ناامیدیها، شکایتها و به عبارتی اعترافات مشهور ارمیا) را حکایت می کند. شاگردانش نیز روایات مراحل مختلف زندگانی او را بر این نوشته ها افزوده اند. سرانجام در سالهای تبعید و پس از آن این کتاب را بازخوانده و پیامش را برای درک بهتر با وضعیت خود تطبیق داده اند؛ مثلاً رویای دو سبد انجیر (۲۴).

❖:تبعیدیانی که سخنان ارمیا را پیش از سقوط اورشلیم شنیده بودند باید آنها را پس از سقوط اورشلیم به خاطر آورده باشند؟پس از وقوع این حوادث چه می اندیشیدند؟

✠:تبعیدیان به خوبی سخنان او را به یاد آوردند و نسخهٔ جدید دیگری از کتاب او تهیه کردند. آیا ارمیا اضمحلال حکومت یهودا و فرمانبرداری از بابل را موعظه نکرده بود؟ تهدید به تنبیه به واقعیت پیوسته بود. پس از پیامهای ارمیا و حننیا (۲۸:۱-۱۱) اتفاقاتی رخ می‌دهند که ثابت می کنند ارمیا ، نبی حقیقی است :اوست که سرانجام وقایع و مفهوم آنها را از پیش اعلام کرده بود. اونبی شبیه موسی است (تثنیه۱۸:۱۸) بنابراین الآن برای فائق آمدن بر بحرانی که نتوانستند از آن بگریزند می باید به پیامش گوش فرا دهند.

یقیناً تبعیدیان سخنان امیدوارکنندهٔ نبی را بازخوانی و در آنها تعمق کرده اند. خدا امر تازه‌ای در جهان ابداع کرده است (۳۱:۲۲). مزرعه ای که ارمیا کمی پیش از سقوط اورشلیم از پسر عمویش خرید (۳۶:۶-۱۵) نشانه ای دلگرم کننده است که یکبار دیگر خانه ها و مزارع در یهودا خرید و فروش خواهند شد. قوم تبعید شده دوباره در سرزمین خود گرد خواهد آمد و باز هویتش را بدست خواهد آورد: ایشان قوم من و من خدای ایشان خواهم بود.ضمن انتظار آن ایام ،باید بنابه نامه ای که ارمیا برای ایشان فرستاده ، خود را برای سالهای طولانی تبعید در بابل آماده نمایند (۲۹:۴-۷).

❖ آیا ارمیا جایگاهی مهم در سنت یهود دارد؟

✠اگر چه سخنان ارمیا را طی حیاتش جدی تلقی نکرده اند اما پس از مرگش او را جزء یکی از بزرگترین انبیا دانسته اند. اسرائیل پس ازآن، بین سرنوشت خود از هنگام تبعید که ناچار به تحملش بود و سرنوشت نبی نوعی تلاقی و هماهنگی کشف کرد. ارمیا تأثیر بسزایی بر حدود ۳۰ مزمور داشته است. حتی توانسته اند کتاب مزموری را به ارمیا نسبت دهند. کتاب ارمیا در قرن دوم پیش از میلاد جزو کتابهای قانونی محسوب شده است. بن سیراخ متن دعوت الهی ارمیا را ذکر کرده است (بن سیراخ ۷:۴۹). نامه ای در خصوص انکار بتها را نیز به او نسبت داده اند (باروخ۶). کتاب دوم مکابیان نیز روایت عجیبی از ارمیا را حکایت کرده است (دوم مکابیان ۲:۱-۱۲؛ ۱۴:۱۵-۱۵). دیگر راویات افسانه ای، معروفیت و اهمیت ارمیا را در ایمان و دعای بنی اسرائیل نشان می دهند.

❖: اولین مسیحیان در مورد ارمیا چگونه می اندیشیدند؟ آیا در عهد جدید از او سخن گفته اند؟

✠متی در ۱۷:۲ و ۹:۲۷ از او ذکری کرده است (رک به یادداشتهایی برای تعمق درصفحه ۴۱). از نظر متی عیسی تنها سخنان ارمیا را تحقق نمی بخشد بلکه سرنوشت او را نیز به عنوان یک پیامبر به اتمام می رساند. در میان جمعیتی که گرد عیسی جمع شده بود برخی عیسی را ارمیا یا یکی از انبیا می دانستند (متی۱۶:۱۴) . چهرهٔ ارمیای رنج کشیده چهارچوبی بود برای مسیحیان اولیه تا بتوانند مرگ و سرنوشت عیسی را درک کنند. همچنین بعید نیست که مبارزه با انبیای دروغین مسیحی (متی۷:۱۵-۲۰) اشاره ای باشد به مبارزه دائمی ارمیا با این انبیا.

❖:آیا در عصر حاضر نیز انبیای مسیحی ظاهر می شوند؟ چگونه می توان آنان را شناخت؟

✠مجمع اسقفان واتیکان دوم رسالت نبوتی کلیسا را که باید بر کلام و بخصوص عیسی مسیح شهادت دهد برجسته می سازد. وانگهی تمام تعمید شدگان در رسالت مسیح که شاه، کاهن و نبی است، شرکت دارند. اما این

بدین مفهوم نیست که همه اعضای کلیسا به نبی بودن فرا خوانده شده اند.

علائمی چند، در پرتو کتاب ارمیا وجود دارند که امکان آن را فراهم می سازندتا بتوان نبی را تشخیص داد. نبی کسی است که مفتون و مجذوب کلام باشد، گواه بر مطلق بودن خداو تسلط وی بر کل خلقت باشد ، نبی فریادهایی را که از عمق قلب انسانها برمی آید می شنود و دردل آنها امید می آفریند. نبی که در میان قوم، مکان و زمان خاص خود جای گرفته و در سنتها ریشه دوانیده ،شجاعت و آزادی نفی گناه و دعوت به بازگشت به سوی خدا را دارد. بارزترین مسئولیت انبیای اسرائیل افشا و نفی بی عدالتیها، بتها، دویدن بدنبال پول، تشویق به وفاداری به خدا و برادران... بود. حال در این قرن بیستم به عهده پیامبران مسیحی است که کلام همیشه زندهٔ خدای عیسی را با واقعیتهای زمان منطبق سازند.

❖:آیا تصور می کنید شخص نبی همیشه مزاحمی است که مانند ارمیا باعث ناراحتی و ناخشنودی می شود؟

✠از آنجا که کار نبی اعلام و افشای خطاهاست پس می توان او را کم و بیش مزاحم شمرد. عکس العملهای شدید مقامات یهودا در مواجهه با خطابهٔ ارمیا (بیرون راندن او از هیکل و زندانی کردنش) بخوبی نمایانگر این امر می باشند. اما کلام انبیا از آنجا که کلام حقیقی است نیروی جاذبه نیز دارد. شاگردان نبی یعنی آنانی که پس از وی به منظور زنده نگاه داشتن کلامش الهاماتش را گرد آوردند و زندگانیش را حکایت کردند نمونهٔ بارزی از جذابیت کلام نبی می باشند.

❖:چنانچه بخواهید رساله ای در مورد کتاب ارمیا تهیه نمایید چه چیزی در این کتاب توجه شما را بیشتر به خود جلب می کند؟

✠بیست سال پیش که برای اولین مرتبه کتاب ارمیا را به طورکامل مطالعه کردم شخصیت روحانی نبی یعنی مبارزه او با خدا از همان ابتدای دعوتش درمباحثه ای دائمی که تاحد سؤال وجواب بنیادی می رسد، مرا جلب کرد. اغلب کسانی را که

همواره و بلافاصله جواب بلی به خداوند می دهند مانند سموئیل جوان، مریم، رسولان و پولس همچون نمونه کاملی از ایمانداران نشان داده شده اند. من مقاومت انسانی را ارمیا در برابر کلام خدا که در وی بمنزله آتشی شدیداست و نیز شور و عشقش که او را در تمام طول ۴۰ سال رسالتش مفتون می سازد و در عین حال رنجش می دهد، تحسین کرده ام.

اکنون من نسبت به رسالت ارمیا یعنی سخنگوی خداوند بودن در موقعیتی بحرانی سیاسی و اجتماعی، حساس تر هستم. چگونه می توان در این بحران آنچه باید گفت یا آنچه باید کرد تشخیص داد؟ مبارزان در بابل به ارمیا به عنوان« همکار» می نگریستند. معیارهای قضاوت چه بودند؟وفای نبی که همچنان با خدا و با ایمانداران در گفتگو بود، اعلام امید به عهدی نوین در بحبوحه اندوه و پریشانی ، به نبی عناتوت جنبه ای اسرارآمیز و در عین حال بی نهایت بشری داده اند.

دونسخه متفاوت ازکتاب ارمیا

متن یونانی کتاب ارمیا (هفتادتنان) نسبت به متن عبری بسیار کوتاه‌تر است و حداقل ۲۷۰۰ کلمه کمتر از متن یونانی دارد. آیا ترجمه یونانی متن عبری را خلاصه کرده یا ترجمه عبری متن یونانی را طول و تفسیر داده است؟

نه. در واقع ما دو ترجمه متفاوت در دست داریم که هر کدام از یك متن عبری به عمل آمده است. یکی از دست‌نوشته‌هایی که در قمران یافت شده شامل یك متن عبری کوتاه و بسیار نزدیك به متن هفتادتنان می‌باشد که این خود گواه بر این مدعاست.

این امر ثابت می‌کند که کتب انبیا (برخلاف پنج کتاب اول عهد عتیق) طی قرون متمادی بارها و بارها بازخوانی شده و تغییراتی در آنها داده شده است.

گروههای مطالعاتی کتاب‌مقدس

سیری در کتاب ارمیا

شخصیت ارمیا تمام خوانندگانش را مفتون می سازد؛ اما کتابش کتابی قطور و پیچیده و تاریخهای وقایع آن چنان درهم است که مطالعه یکباره آن کاری است بس مشکل. و این خود دلیلی است بر این مدعا که نسلهایی که در پی نبی آمده اند از این کتاب بسیار استفاده کرده اند.

برای ایجاد و تعیین مسیری در کتاب ارمیا باید متون مشهور و مهم و بس ساده را برگزید تا بتوان شخصیت ارمیا و نکات اصلی پیامش راشناسانید . ما در اینجا دو سری متن را برای یک چنین سیری پیشنهاد می کنیم: در ابتدا متون لازم و واجب و سپس متون مهم...

◆متون لازم و واجب

۱:۴-۱۹ دعوت از ارمیا (رک به یادداشتهایی برای تعمق صفحه ۴۱)
۱۵:۱۰-۲۱ یکی از اعترافات ارمیا
۲۶ داوری ارمیا در هیکل
۲۸ مبارزه با حننیای نبی
۳۱:۳۱-۳۴ الهام در مورد عهد جدید
۳۶ طومار سوزانده شده بدست یهویاقیم پادشاه
۳۸:۱-۱۳ ارمیا در سیاه چال

◆ متون مهم

۷:۱-۱۵ خطابه علیه هیکل
۱۳:۱-۱۱ حرکت مربوط به کمربند

۱۶:۱-۱۳ تجرد ارمیا

۱۸:۱-۱۲ ارمیا در نزد کوزه گر

۲۰:۱-۱۳ ارمیا در قصاص گاه؛ «یکی از اعترافات»

۲۴ رویای دو سبد انجیر

۲۹ نامه به تبعیدیان

۳۱ الهامات نجات

۳۲:۶-۱۵ خرید مزرعه ای در عناتوت

۳۸:۱۴-۳۹:۱۴ پایان محاصره ۵۸۷

۴۲-۴۳:۷ عزیمت اجباری به مصر

این مجموعه سوای دو یادداشت تعمق بر دعوت الهی ارمیا و عیسی ارمیای نوین در انجیل متی، چند روش دیگر را پیشنهاد می کند:

● حرکتهای نمادین (رک به مقاله حرکات نمادین، زبانی نبوتی ص ۱۷)

● روایاتی در مورد رنج و زحمت ارمیا (۲۶-۲۹ و ۳۴-۴۲) (رک به حکم مرگت را امضا نموده ای ص ۲۲)

● متون «اعترافات» (خدا محاکمه می شودص ۲۵)

سرانجام روشی بس مؤثر در عهد جدید: ثمره الهام در مورد عهد جدید از طریق نقل قولهایی از آن در عهد جدید: لوقا۲۲:۲۰؛ رومیان۱۱:۲۷؛ اول قرنتیان ۱۱:۲۵؛ دوم قرنتیان ۳:۶؛ عبرانیان۸:۸-۱۲،۱۰:۱۶-۱۷.

یادداشت‌هایی برای تعمق

دعوت الهی ارمیا (۱:۴-۱۹)

روایت دعوت الهی ارمیا یکی از معروف ترین راویات کتاب ارمیاست. اغلب دو بخش از آن جلب توجه می کنند: اعتراض نبی جوان: «من تکلم کردن را نمی‌دانم» و استفاده از استعاره گویا و شاعرانه درخت بادام. اما حقیقتاً مطالعه دقیق این متن به زحمتش می‌ارزد. چند پیشنهاد:

● ۱-ساختار کلی متن (۱:۴-۱۹)

♦ سه بخش کوتاه و بلند با یک جمله آغاز می شوند: « پس کلام خدا بر من نازل شده گفت» (آیه های۴، ۱۱، ۱۳). بدین ترتیب جایگاه کلام خدا که کلام اول است به وضوح مشخص گردیده و نقش آن در وقایع آشکار شده است (آیه۱۲).

♦ چنانچه آیه ۱۳ را در نظر گیریم که می گوید: «پس کلام خدا بار دگر به من رسیده گفت» می توانیم دو رویای شاخهٔ بادام و دیگ جوشان را یک مجموعه و آیه ۴ تا ۱۰ را مجموعه دیگر در نظر بگیریم. متن اول از دعوت الهی سخن می گوید و متن دوم جزئیات رسالت نبی را مشخص می سازد. خداوند از سویی دعوت به تکلم به اسم خودش می کند و از سوی دیگر بر تحقق کلامش نظارت دارد و فرستاده اش را که باید پیامی بسیار سخت و دشوار را برساند، حمایت می کند.

♦ در مرکز این متن وعده«دیده بانی »داده شده که قدرت آن در همان عبارت کوتاه به وضوح آشکار است.

♦ آیه های ۱۶-۱۹ از ساکنین اورشلیم و یهودا که در آیهٔ ۱۴ ذکرشان رفته، سخن می گویند در حالی که آیه ۱۵ از «قبایل شمال»، سربازان بابل که از شمال

می‌آیند سخن می‌گوید. شاید این آیه ۱۵ که از محاصره اورشلیم یاد می‌کند بعدها به متن اصلی اضافه شده باشد. به هر حال آیه های ۱۸-۱۹ از مبارزه‌ای دیگر یعنی نبرد اهالی یهودا علیه ارمیا سخن می‌گویند. زندگانی نبی کارزاری خواهد بود و خداوند در آن کارزار در کنار نبی خواهد بود.

● ۲- گفتگو

این روایت،متن مکالمه ای با صداهای نامساوی است. حرف اول و آخر در این متن حرف خداوند است.

سخنان ارمیا را در متن مشخص کنید.

آنچه خداوند، خود درمورد خود گفته است و افعالی را که خداوند فاعل آنهاست را مشخص سازید: او می‌شناسد، برمی‌گزیند، می فرستد، امر می‌کند، حمایت می‌کند، توان می‌دهد، رها می‌کند، کلام خود را به انجام می‌رساند، بت‌پرستی را تحمل نمی‌نماید.

عبارات بسیاری به وضوح نشان می‌دهند که ارمیا در خدمت شخص دیگری است و کلامی را که کلام خود وی نیست می‌شنود. کلام به وی خطاب می‌شود. او باید برای اعلام کلام و مقابله با مخالفتهای با آن بپاخیزد.

رویا بسیار محدود است. ارمیا بیش از آن که ببیند، می‌شنود.

● ۳-دعوت نبی

پاسخ به سؤالات سهل و ساده با مطالعه دقیق کتاب امکان پذیر و میسر است ؛ارمیا از سوی چه کسی ؟ به سوی چه کسی ؟ و برای گفتن چه چیزی فرستاده شده است؟

◆ بر جناس کلمات «درخت بادام / دیده بان» توجه نمایید: اطمینان نبی بر چه اساسی استوار است؟ (آیه های۸، ۱۸، ۱۹). اطمینانی که خداوند به پیامبران خود می‌دهد اطمینانی پایدار و مستمر می‌باشد. رک به هوشع۲۳:۱۴؛ اول سموئیل ۳:۱۹؛ اشعیا ۵۵:۱۰-۱۱.

◆ پیام اساسا" در مورد خداست.خدا در اینجا خالق ، خداوند یکتا، قادر مطلق نشان داده شده است: خدایی آزاد و دخیل در تاریخ بشریت، خدایی که همگام با خادمش است و همواره به قول خود وفا می‌کند.

◆ در این متن، ارجاع به موسی همچون نمونه کامل نبی واضح و مبرهن است. متن تثنیه ۱۸:۱۸-۱۹ را با ارمیا ۱:۷، ۹ مقایسه نمایید.

◆ این روایت را با روایات دعوت الهی انبیای دیگر به خصوص اشعیا ۶ و حزقیال ۱ تا ۳ مقایسه نمایید. نقاط مشترک و نیز اختلافات را مشخص سازید.

عیسی، ارمیایی دیگر درانجیل متی

عیسی از شاگردانش می‌پرسد: «مردم مرا که پسر انسانم چه شخصی می‌گویند»؟ گفتند: «بعضی یحیی تعمید دهنده و بعضی الیاس و بعضی ارمیا یا یکی از انبیا» (مت ۱۶:۱۳-۱۴). با آنکه مرقس و لوقا نیز این گفتگوی بین عیسی و شاگردانش را نقل کرده اند اما تنها متی از ارمیا نام می برد. در حقیقت انجیل متی در شخص عیسی ،نبی را نشان می‌دهد که سرنوشتش مثل سرنوشت بقیه انبیا و بخصوص ارمیای نبی می باشد.

● ۱-اشارات صریح

متی در انجیل خود دو مرتبه از کتاب ارمیا نقل قول می‌کند و یک مرتبه نیز از خود او نام می برد:

◆ **متی ۲:۱۷-۱۸:** اولین نقل قول در مورد قتل‌عام کودکان بی‌گناه بیت‌لحم بنا به امر هیرودیس است! آنگاه کلامی که به زبان ارمیای نبی گفته شده بود تمام شد: «آوازی در رامه شنیده شد... راحیل برای فرزندان خود گریه می‌کند...» (ار میا۳۱:۱۵).

رامه روستایی است در۹ کیلومتری شمال اورشلیم، که تبعیدیان در سال ۵۸۷

قبل از عزیمتشان به بابل در آنجا جمع‌آوری شده‌اند. از آنجا که رامه در قلمرو سبت بنیامین پسر راحیل است پس این تبعیدیان پسران راحیل می باشند. متی از این طریق رابطه‌ای بین سرنوشت عیسی و مصائب بنی‌اسرائیل در زمان تبعید می‌آفریند.

این روایت را نیزمی توان با روایت کتاب خروج ۱:۱۵-۲۲ که قتل‌عام نوزادان عبرانیان به امر فرعون را نقل می‌کند، مقایسه نمود.

◆**متی ۹:۲۷-۱۰:**دومین نقل قولی که متی از کتاب ارمیا دارد در مورد بهای خیانت به عیسی و خرید مزرعه کوزه‌گر می باشد: «سخنی که به زبان ارمیای نبی گفته شده بود تمام گشت...»

این نقل قول را می‌توان در ارمیا ۱۸:۲-۳؛ ۱۹:۱-۲؛ ۳۲:۷-۹ و زکریا ۱۱:۱۳ نیز یافت.

در آنچه کوزه‌گر، «گلی که می‌سازد»، «مزرعه‌ای که متعلق به خداوند است»، ترسیم می‌کنند تأمل نمایید. حال پس از تأمل در این مطالب، خرید مزرعه‌ای با پولی که خونبهاست چه مفهومی می‌یابد؟

بالاخره می‌توان چارچوب متن این دو نقل قولی را که متی از ارمیا آورده ، با هم مقایسه کرد: در هر دو مورد اعدامهایی به فرمان رؤسای یهود صورت می‌گیرد.

◆**متی ۱۴:۱۶:** پیش از اقرار به ایمان پطرس در قیصریه(متنی که قبلا" ذکر شد)،

این متن را با متن مرقس ۲۸:۸ با توجه به انگیزه هرکدام از این دو انجیل نگار مقایسه نمایید: ارمیا چه تعلیمی می‌تواند برای جامعه یهودی - مسیحی زمان متی داشته باشد؟

این گفته که عیسی ارمیایی دیگر است مردم را برای مقابله با چه چیزی آماده می‌سازد؟

چه نکات مشترکی بین عیسی و ارمیا در مقابله ایشان با رؤسای قوم وجود دارد؟

● ۲-سخنانی که عیسی خود را بوسیله آنها باز می‌شناساند

◆**«بار من سبک است»**:رابطه‌ای جدید با شریعت. متی ۲۸:۱۱-۳۰را با دو جملهٔ ارمیا ۳۱:۲۵؛ ۶:۱۶ مقایسه نمایید. راه خوشبختی کدام است؟ ارمیا می‌گوید: خداوند آن را نشان می‌دهد؛ در انجیل متی عیسی برای یافتن راه خوشبختی مردم را دعوت به پیروی از تعالیم خود می کند.

◆**انبیای دروغین**

متی نیز همچون ارمیا از انبیای حقیقی و انبیای دروغین سخن می‌گوید. متی ۷:۲۲-۲۳ را از یک سو و از سوی دیگر۳:۱۴؛ ۲۷:۱۵ را مطالعه نمایید.

◆**اورشلیم و انبیا**

عیسی در متی ۲۳:۳۷-۳۹ بر اورشلیم که انبیا را می‌کشد، او را اجابت نمی‌کند و به زودی ویران خواهد شد گریه می‌کند. به متن ارمیا ۱۲:۷ و ۲۲:۵-۹ رجوع کنید. عیسی با ضمیر اول شخص مفرد «من» سخن می‌گوید در حالی که ارمیا از زبان خداوند سخن می‌گوید.

متوجه شدیم که عیسی در رسالتش همچون در رنجش می‌تواند همانند ارمیایی دیگر ظاهر شود. عیسی نیز که همانند نبی عهد عتیق دلسوز قومش است باید به خاطر وفای به رسالتش و نیز به خاطر آنچه خودش هست با این قوم و رؤسای آن رودر رو شود.هر دو توسط نزدیکان خود ترک و محکوم به مرگ خواهند شد. عهد نوین که ارمیا آن را در ۳۱:۳۱ اعلام داشته در عیسی تحقق می‌یابد (متی ۲۶:۲۸-۲۹).